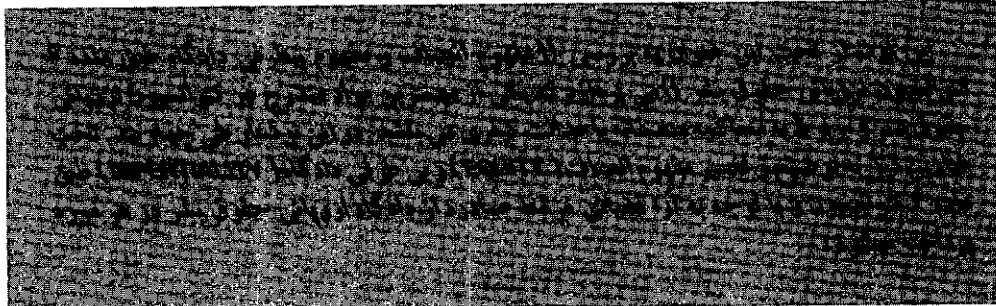


انصاف و بی طرفی دادگاه

طبق ماده ۶ کنوانسیون اروپائی حقوق بشر

رزا فراچورلو وکیل دادگستری



های گوناگون حق برخوردار شدن از محاکمه منصفانه را تقویت و تحکیم می نماید. از جمله این اقدامات، توصیه نامه ای مربوط به «استقلال، کارآیی و موثر بودن نقش قضات» مصوب کمیته وزرا می باشد که بموجب آن کمیته مذکور، از دولتهای عضو کنوانسیون تقاضا می کند که تمامی اقدامات ضروری، برای تحکیم و ارتقا استقلال و کار آرائی قوه قضائیه را اتخاذ نمایند.

اقدام دیگری که توسط کمیسیون اروپائی، برای «ایجاد دموکراسی از طریق قانون» انجام شده، تشکیل یک نهاد مشورتی بود که با هدف انجام اصلاحات اساسی و قانونی در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی تاسیس شد و در کنار وظیفه فوق الذکر، به آموزش حقوق بشر به قضات این کشورها نیز می پرداخت.

بند ب مفهوم انصاف ۸ مندرج در ماده ۶ کنوانسیون

در خصوص واژه انصاف، صاحب نظران معتقدند که ماده ۶ کنوانسیون در برگیرنده عصاره و جوهره اصل انصاف هم می باشد. لیکن از لحاظ لغوی، توسط حقوقدانان غربی، معنای مستقلاً از انصاف (مندرج در ماده ۶) ارائه نشده است. از لحاظ لغوی نیز غالب واژه نامه ها، انصاف را با عدالت ۹ هم معنا دانسته اند و یا آن را «وظیفه عدم ورود اضرار به دیگری» قلمداد نموده اند. ۱۰ در واژه نامه فرانسوی، انصاف به معنای «اعطا سهم مساوی به هر شخص و شناسائی بیطرفانه حق» بیان شده است. آمریکائیانها انصاف را همان «DUE PROCESS OF LAW» یا روند مقتضی قانونی، دانسته اند. بهر حال نتیجه گیری آن است که انصاف را باید از طریق رعایت دیگر اصول و در پرتو اعمال و اجرای آنها معنا نمود و بکار برد.

در ماده ۶ کنوانسیون، انصاف در دو مفهوم مضیق و موسع بکار رفته است. انصاف در مفهوم مضیق مستلزم آن است که هر یک از اصحاب دعوی بتوانند بدون آنکه نسبت به طرف

منصفانه و علنی در محدوده زمانی معقولی توسط یک دادگاه مستقل و بیطرف که بموجب قانون ایجاد شده است می باشد. همانطور که در ماده ۶ کنوانسیون مذکور ملاحظه میگردد، اصل برائت ۲ یا فرض بی گناهی، تا زمانی که گناهکاری شخص اثبات گردد، اعمال می شود و همچنین حق متهم مبنی بر اینکه زمان کافی برای تهیه و ارائه دفاع خود داشته و دفاع خود را اصالتاً و شخصاً و یا از طریق معاضدت حقوقی (و وکیل) طرح نماید و یا شهود خود را احضار کند و از مساعدت رایگان یک مترجم در صورت لزوم برخوردار شود. حقوق متعاقب مربوط به موضوع ماده ۶، یعنی حق برخوردار شدن از محاکمه منصفانه عبارتند از:

آزادی از قانون معطوف به ماسبق
کیفری ۳ (ماده ۷ کنوانسیون)، حق تجدید نظر خواهی در موضوعات کیفری ۴ (ماده ۲ از پروتکل شماره ۷ کنوانسیون)، تقاضای جبران خسارت برای احکام غلط یا احکامی که اشتهاً صادر شده است ۵ (ماده ۳ پروتکل شماره ۷)، این حق که شخص بخاطر یک جرم واحد، دو بار محاکمه یا مجازات شود ۶ (ماده ۴ پروتکل شماره ۷)، در شورای اروپا یکسری فعالیتها و اقداماتی انجام شده است که جنبه

بندالف عدالت کیفری و محاکمه منصفانه طبق ماده ۶ کنوانسیون اروپائی حقوق بشر.

بند ب مفهوم انصاف مندرج در ماده ۶ کنوانسیون.

بند ج بررسی مفهوم بیطرفی و یک دادگاه بیطرف، طبق ماده ۶ کنوانسیون.

۱- ج بیطرفی دادگاه و اصل تفکیک وظایف قضائی.

۲- ج تشخیص مفهوم بیطرفی از مفاهیم مشابه.

- ۱- ۲- ج بیطرفی و مساوات.
- ۲- ۲- ج بیطرفی و انصاف.
- ۳- ۲- ج بیطرفی و استقلال.
- ۴- ۲- ج بیطرفی و حسن نیت.

بند الف عدالت کیفری و محاکمه منصفانه طبق ماده ۶ کنوانسیون اروپائی حقوق بشر

حق برخوردار شدن از محاکمه منصفانه، هم در دادرسیهای مدنی و هم در دادرسیهای کیفری، بموجب ماده ۶ کنوانسیون اروپائی حقوق بشر ۱ تضمین شده است و در اغلب دعاوی توسط خواهانها مورد استفاده قرار گرفته است. مفهوم حق محاکمه منصفانه بسیاری از عناصر را در بر می گیرد. هسته اصلی این حق، برخوردار شدن از یک استماع

مقابل خود در موقعیت کمتری قرار گیرد و از ادعا و دعوی خویش بطور موثر دفاع نماید و با توجه به اینکه کلمه EQUITY از کلمه لاتین AEQUUS ریشه می گیرد و به معنای برابر و متعادل می باشد، می توان نتیجه گرفت که انصاف در برگزیده «حقوق حقه مدعی علیه و برابری سلاح»^{۱۱} طرفین دعوی «می باشد که از نظر دیدگاه اروپائی حقوق بشر، یکی از عناصر مهم عدالت کیفری یا دادرسی منصفانه در مفهوم موسع آن است.

در واقع برابری سلاح طرفین در دعوی یا داشتن اسلحه های یکسان از اصول مهم دادرسی ترافعی است که موجب می شود تا هر یک از طرفین دعوا از این حق برخوردار باشند که هم در دادرسیهای مدنی و هم در دادرسیهای کیفری از تمام اظهارات و مدارکی که به قاضی پرونده ارائه شده و در تصمیم گیری وی نقش موثری خواهد داشت، مطلع باشند، مثلاً در درجه اول، متهم باید از اتهام خویش آگاه باشد^{۱۲} و حق برخورداری از برخی تسهیلات را دارا باشد^{۱۳}، متهم حق دارد که به همراهی یک وکیل یا مشاور به دفاع از خود بپردازد^{۱۴}، در ضمن حق مشارکت متهم در جستجوی مدارک و دلایل مجرمیت یا برائت پذیرفته شود^{۱۵}، ضمناً احتمال اینکه متهم زبان دادرسی را به هر دلیلی متوجه نگردد وجود دارد، لذا باید در این مواقع نیاز وی را جهت آگاهی از مطالب دادرسی و بیان مطالب و دفاعیات خویش با توسل به یک مترجم رفع نمود^{۱۶}. در درجه دوم نیز متهم حق دارد که در جریان دادرسی از دو اصل مهم در زمینه عدالت کیفری برخوردار گردد: یک اصل اعلام علنی رأی دادگاه و دیگر، اصل سرعت در دادرسی. ماده ۶ کنوانسیون اروپائی در یک تقسیم بندی کلی در مورد رعایت انصاف را مورد توجه قرار می دهد: مورد اول انصاف در تشکیلات قضائی و مورد دوم انصاف در قواعد رسیدگی و آئین دادرسی. منظور از انصاف در تشکیلات قضائی دو نکته مهم است: یکی استقلال دادگاه در مقابل قوه مجریه و نکته دیگر، بیطرفی دادگاه

در قبال اصحاب دعوی است، بطوریکه هیچیک از افراد ذریبط در دادگاه نباید قضاوت منفی یا خصومت و تعارضی نسبت به طرفین دعوی و یکی از آنها داشته باشند^{۱۷}. منظور از انصاف و رعایت آن در قواعد رسیدگی و آئین دادرسی نیز در دو نکته مهم ذیل خلاصه می شود:

۱ به هنگام جستجو و کشف مدارک و دلایل، که در این زمان آنچه نباید نادیده گرفته شود، اعمال اصل برائت و اثرات و محدودیتهای آن اصل می باشد.

۲ در مورد امتیازات اعطا شده به مدعی علیه (یا متهم)، درباره حقوق مهم متهم باید از حق آگاهی یافتن وی از اتهام خویش و حق برخورداری از برخی تسهیلات نام برد^{۱۸}.

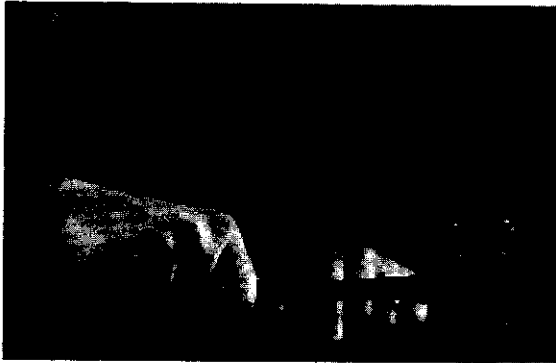
بند ج

بررسی مفهوم بیطرفی و یک دادگاه بیطرف طبق ماده ۶ کنوانسیون

دادگاه اروپائی حقوق بشر برای تفسیر عینی و ابژکتیو یک دادگاه بیطرف معمولاً به بررسی این نکته پرداخته است که آیا دادگاه، تضمینات کافی برای رفع شک و ابهامات قانونی را به متهم اعطا نموده است یا خیر، لازم به ذکر است که در هر قضیه دادگاه متوجه میدارد که آیا ظواهر و تشریفات دادرسی نیز مورد رعایت قرار گرفته است یا خیر^{۱۹}. این نوع استدلال عینی با استدلال ذهنی یا سوژکتیو که به ندای درونی اعضا دادگاه مربوط می گردد و به اصطلاح دادگاه، بیطرفی شخصی^{۲۰} نامیده می شود تعارض دارد. بهر حال علیرغم جالب توجه بودن آرا دادگاه اروپائی در زمینه بیطرفی، برداشت آن از بیطرفی خالی از ابهام نیست و به نظر می رسد که بیطرفی عینی و ذهنی را مقابل هم قرار داده است^{۲۱}، با این حال صرفاً از لحاظ منطقی، چنین تعارضی بدون پایه و اساس است زیرا در هر حال دادگاه در رسیدگی به یک پرونده یا بیطرف است و یا نیت و حالت بینا بینی وجود ندارد.

لازم به ذکر است که مفهوم بیطرفی عینی از لحاظ منطقی به

ترکیب ظاهری دادگاه مربوط نمی شود، هر چند که به ویژه در زمینه کیفری، دادگاه اروپائی حقوق بشر چنین برداشتی را از مفهوم بیطرفی عینی ارائه می دهد. قواعد دادرسی و آئین رسیدگی نیز در مفهوم مضیق خود برای تضمین ظاهری بیطرفی قاضی بکار می روند، برای مثال قاعده ترافعی بودن دادرسی از زمره این موارد می باشد.



ج (۱) وظایف قضائی

دادگاه اروپائی حقوق بشر در رای خود در قضیه «PIERSACK»^{۲۲} به وضوح و سریعاً تأکید کرده است که برای تضمین حق برخورداری از یک دادگاه بیطرف، علاوه بر تفکیک میان وظیفه پیگرد و تعقیب (PERSECUTION) و قضاوت، (JUDGEMENT) وظایف تشکیل پرونده و نیز تحقیق (INVESTIGATION) نیز باید از مرحله قضاوت و صدور حکم تفکیک گردند. دادگاه در قضیه مذکور بررسی نمود که آیا قاضی مربوطه، تضمینات کافی برای رفع ابهامات قانونی را به متهم اعطا نموده است یا خیر؟ دادگاه سپس در رای خود نتیجه گرفت که بند اول ماده ۶ کنوانسیون^{۲۳} نقض شده است و نیز بر این نکته مهم تأکید می نماید که هرگاه قاضی از عدم بیطرفی خود در رسیدگی به یک پرونده بیم داشته باشد، موظف است که از رسیدگی به آن پرونده امتناع نماید و این به دلیل آن است که در یک جامعه دموکراتیک باید دادگاههای آن در دادخواهان ایجاد اعتماد نمایند. همچنین دادگاه در راس خود در این



نظر ماهوی داده باشد، رسیدگی به آن پرونده بعداً و توسط همان قاضی مغایر با اصل بیطرفی خواهد بود، لیکن اگر قاضی مذکور، قبلاً دستور بازداشت موقت یا سایر قرارهای غیر ماهوی (قرارهای شکلی) را صادر نموده باشد، رسیدگی به آن پرونده توسط همان قاضی بخودی خود مغایر با بیطرفی و عبارتی نقض ماده ۶ کنوانسیون محسوب نخواهد شد.^{۲۶}

ج(۲)

تشخیص مفهوم بیطرفی از مفاهیم مشابه

در اینجا به بیان تفاوت میان مفهوم بیطرفی با مفاهیمی چون مساوات، انصاف، استقلال و حسن نیت می پردازیم.

ج(۲)۱ بیطرفی و مساوات
بیطرفی اگر چه یکی از عناصر شاکله برخورداری از تساوی در دادرسی می باشد لیکن بیطرفی مقدم بر مساوات در رفتار است، به عبارتی، بیطرفی قاضی شرط لازم برای ایجاد مشروط یعنی تساوی در رفتار با اصحاب دعوی می باشد، البته علل دیگری غیر از بیطرف نبودن قاضی نیز وجود دارند که ممکن است تساوی میان اصحاب دعوی را نزد قاضی مخدوش نمایند.

ج(۲)۲ بیطرفی انصاف

یکی از جنبه های انصاف، رعایت بیطرفانه حق هر شخص می باشد و این امر جز حقوق فطری بشر است تا جایی که اگر ضرورت یابد قاضی می تواند با اعمال انصاف از اعمال قوانین موضوعه صرف نظر نماید تا تساوی رسمی و قانونی را در هم شکسته و تساوی حقیقی و واقعی را میان طرفین دعوی برقرار سازد.

ج(۲)۳ بیطرفی و استقلال

منظور از استقلال قاضی آن است

قضیه اشاره می کند که تغییر در ترکیب دادگاه و قضات رسیدگی کننده، حتی در آخرین لحظات نیز فی نفسه و بخودی خود، نمی تواند دلیلی برای عدم بیطرفی دادگاه محسوب گردد.^{۲۳} تنها مورد استثنا در خصوص ((رعایت بیطرفی و اصل تفکیک وظایف قضائی))، مربوط به ((دادرسی اطفال بزهکار)) می باشد. هنگامیکه قاضی اطفال در خصوص یک جرم و یک پرونده به تحقیق و قضاوت می پردازد، این امر مخالف با اصل تفکیک وظایف قضائی و به عبارتی دیگر مغایر با رعایت اصل بیطرفی نخواهد بود. دادگاه اروپائی حقوق بشر در قضیه،^{۲۴} ((NORTIER)) عدم تفکیک وظایف قضائی را برای قاضی اطفال می پذیرد و اظهار می دارد که در دادرسی ویژه مربوط به جرائم اطفال، رسیدگی توأم و یکجا توسط یک مرجع یا یک قاضی واحد متضمن حفظ بیطرفی خواهد بود نه مغایر با آن، زیرا که اهداف دو نوع دادرسی، یعنی دادرسی بزرگسالان و دادرسی کودکان، یکسان نمی باشد و حقوق کیفری کودکان بیشتر بر ((بازگشت طفل مجرم به جامعه))^{۲۵} تاکید دارد.

مطلب دیگر آنکه اگر در یک پرونده، به قاضی رسیدگی کننده قبلاً

که هیچ فشار یا تحمیل خارجی نباید و نمی تواند مانع از انجام وظیفه قاضی گردد. پس در واقع استقلال، شرط بیطرفی قاضی است و قاضی ای که فاقد استقلال می باشد بطور عینی، مشکوک و مظنون به غرض ورزی است، یعنی این امکان در چنین مواردی وجود دارد که قاضی غیر مستقل بطور خود سرانه و در نتیجه تبعیت از اراده آزاد خود برای تفسیر موسع قوانین به گونه ای که میخواهد، یا بر اثر فشار بیرونی، از قوانین موجود تجاوز نموده و بجای اعمال صحیح قوانین موضوعه در جهت تحکیم خودکامگی خود برآید.^{۲۷}

ج(۲)۴ بیطرفی و حسن نیت
بیطرفی را با حسن نیت نیز نمی توان یکی دانست، حتی اگر بیطرفی در معنای فلسفی خود به مفهوم ((حسن نیت فلسفی)) بکار رود. اگر چه در واقع قاضی غیر بیطرف که نسبت به یکی از اصحاب دعوی جانبداری می نماید، لزوماً دارای سو نیت نسبت به طرف دیگر دعوی نیست، لیکن در هر حال وقتی عقیده ای در ذهن قاضی خیلی زود شکل بگیرد، بطور عینی حاکی از یک پیشداوری در قضاوت می باشد.

بند د

بررسی مفهوم بیطرفی دادگاه یا قاضی در رویه قضائی دادگاه اروپائی حقوق بشر

در نظر اول بنظر میرسد که اصل بیطرفی، جز گروه اصول عمومی فلسفی بوده و به فلسفه حقوق مربوط میشود. منظور از بیطرفی دستگاه قضائی نیز آن است که قاضی باید هر موضوع یا هر قضیه شخصی یا ایده ای را بدون موضع گیری موافق یا مخالف و بدون هرگونه پیشداوری، ارزیابی و قضاوت نماید. بیطرفی قاضی به نوعی تعهد و الزام وی، مبنی بر آن است که نباید طرف هیچیک از اصحاب دعوی را بگیرد و به عبارتی ((بدون توجه به شخص))^{۲۹} باید به هر قضیه رسیدگی نماید و دقیقاً به همین خاطرات که

فرشته عدالت با چشمان بسته نشان داده میشود. همچنین قاضی نباید با توجه به منافع شخصی خود یا اخذ رشوه و فساد مالی اقدام به صدور رای نماید.

ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۳۰، مصوب ۱۹۴۸ و نیز بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۳۱ مصوب سال ۱۹۶۶ هم به بیطرفی دستگاه قضائی اشاره نموده اند که میتوان با قاطعیت بیان نمود که تکرار این حق در اسناد مهم بین المللی حقوق بشر نشانگر اهمیت بنیادین این حق بعنوان یکی از تضمینات مهم دادرسی و یکی از حقوق حقه متهم در خلال رسیدگی و حتی در مرحله قبل از آن می باشد.

همچنین بیطرفی قاضی را باید از لحاظ زمانی ۳۲ نیز مورد تدقیق و نظر قرار داد. بدین معنی که در هر قضیه، قاضی باید در روند تصمیم گیری خود از هرگونه پیشداوری خودداری نموده و نباید از قبل، عقیده و نظر وی تعیین شده باشد، بلکه باید در صورت لزوم شک لازم و ضروری در فرآیند تحقیقات یا رسیدگی را محفوظ بدارد و لذا اتخاذ تصمیم عجولانه در هر قضیه اجتناب ورزد. در رویه قضائی دادگاه اروپائی حقوق بشر برای بررسی مساله بیطرفی دادگاه در هر قضیه به این موارد توجه می گردد: روش انتصاب اعضای یک دادگاه و ترکیب قضات رسیدگی کننده، طول مدت جلسات رسیدگی در دادگاه، تضمینات واقعی در مقابل فشارهای بیرونی، رعایت قواعد رسیدگی و ظواهر امر و تشریفات دادرسی ۳۳، استقلال قضات یا به عبارتی استقلال دادگاه در مقابل قوه مجریه.

پی نوشتها

(۱) کنوانسیون اروپائی حقوق بشر، مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰ در رم و لازم الاجرا از ۳ سپتامبر ۱۹۵۳ می باشد و از این پس در این نوشتار، کنوانسیون نامیده میشود

۲. PRESUMPTION OF INNOCENCE
FREEDOM FROM RETROACTIVE

CRIMINAL LEGISLATION
RIGHT OF APPEAL IN CRIMINAL

MATTERS
۵. COMPENSATION FOR
WRONGFUL CONVICTION

۶. NON BIS IN IDEM
۷. RES. NO. R.(۴۹) ۲۱

۸. EQUITY
۹. JUSTICE

۱۰. PRADEL
۱۱. EQUALITY OF ARMS

۱۲. شق الف بند ۳ ماده ۶
کنوانسیون

۱۳. شق ب بند ۳ ماده ۶
۱۴. شق ج بند ۳ ماده ۶
۱۵. شق د بند ۳ ماده ۶
۱۶. شق ه بند ۳ ماده ۶

۱۷. ECHR, SANDER V. UK,
۹ MAY ۲۰۰۰

(در این قضیه، برخی از اعضا هیات منصفه دادگاه اروپائی حقوق بشر نسبت به متهم سیاهپوست (ساندر) تعصبات نژاد پرستانه داشتند.)

۱۸. PERADEL. IBID.

NO. ۳۵۰, PIERSACK CASE,
۹۱ ECHR, JT

۱۰۱. ۲۸, PARA ۰۳
۲۰. PERSONAL IMPERTIALITY

۲۱. بیطرفی ذهنی یا سوژکتیو (SUBJECTIVE) آن است که قاضی در ذهن یا درون خود، توجه خاص یا بالعکس بی توجهی خاصی نسبت به یکی از طرفین دعوی داشته باشد. این امر در مورد هیات منصفه نیز میتواند مصداق پیدا کند.

FRANCE CASE, ۳۲ APRIL, ۶۹۹۱
.SEE: ECHR, REMLI V

۲۱. بیطرفی عینی یا ابژکتیو (OBJECTIVE) منجر به در نظر گرفتن ظواهر امر میباشد

, FINDLAY CASE, ۵۲ FEV, ۷۹۹۱
.SEE: ECHR

(۲۲) اهمیت بیطرفی دادگاه تاکید دارد.

, JT NO. ۶۴۱ A, BARBERA CASE,
.۲۳SEE: ECHR

۶ DECEMBER, ۸۸۹۱
CASE)) , ۴۲ .۸ .۳۹۹۱
ECHR, JT .NO .۷۶۲, ((NORTIER

.۲۴
۲۵. RESOCIALISATION
CASE)) , ۶۱ .۲۱ .۲۹۹۱ .
JT .NO .۳۵۲A, ((SAINT MARINE

.۲۶ .ECHR ,

, ED . PUF , ۲۹۹۱ , P . ۲۶
ASSOCIATION HENRI CAPITANT
((VOCABULAIRE JURIDIQUE)) ,
۲۷ GERARD CORNU ,

.۲۸ BONAFIDE =
۲۹ DEPERSONALISATION

(۳۰) ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر: ((هر کس با برخورداری از تساوی کامل، حق دارد که دعوايش توسط یک دادگاه مستقل و بیطرف، بطور منصفانه و علنی رسیدگی شود و ...))

(۳۱) بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: ((همه در برابر دادگاهها و محاکم دادگستری، مساوی هستند. هر کس حق دارد که به دادخواهی وی، منصفانه و بطور علنی در دادگاه صالح مستقل و بیطرف که مطابق با قانون تشکیل شده باشد، رسیدگی شود و ...))

(۳۲) در مورد رعایت ظواهر امر و تشریفات دادرسی (قواعد شکلی) ضرب المثل معروفی در حقوق انگلستان وجود دارد که بیان می دارد: ((عدالت نه تنها باید اجرا گردد، بلکه باید دیده شود که اجرا میگردد.))

(۳۳) در مورد رعایت ظواهر امر و تشریفات دادرسی (قواعد شکلی) ضرب المثل معروفی در حقوق انگلستان وجود دارد که بیان می دارد: ((عدالت نه تنها باید اجرا گردد، بلکه باید دیده شود که اجرا میگردد.))

MUST ALSO BE SEEN TO BE DONE)
JUSTICE MUST NOT ONLY BE DONE , IT

(

(

(

(

(

(

(

(

(

(

(

(